

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۱۲)

قسمت دوم تعمید روح القدس در تشبیه بدن

(اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۳۱)

در درس گذشته، از اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۱۳ به بررسی مفهوم تعمید روح القدس و رابطه آن با تشبیه کلیسا به یک بدن پرداختیم.

امروز می‌خواهیم در ادامه همان مطالب، از اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۳۱ موضوع بدن با عطایای متفاوت را، پی بگیریم.

”یک بدن با عطایای متعدد“ موضوعی کاملاً کاربردی است، که نه تنها می‌تواند آن را به عنوان یک تشویق یا راهنما به کار گرفت، بلکه در سراسر زندگی مان میتوانیم آن را بعنوان یک محرک یا کاتالیزور در رابطه مان با خدا و کلیسا استفاده کنیم.

پس بیائیم قبل از آغاز مطالعه، این بخش از کلام خدا رو با بخوانیم.

اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۳۱^{۱۲} بدن انسان، واحدی است که از اعضای بسیار تشکیل شده و اگرچه دارای اعضای متفاوت می‌باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همین طور می‌باشد.^{۱۳} پس همه ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده و خواه آزاد به وسیله یک روح در بدن تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم.^{۱۴} بدن از یک عضو ساخته نشده بلکه شامل اعضای بسیار است.^{۱۵} اگر پا بگوید: «چون دست نیستم به بدن تعلق ندارم.» آیا به خاطر این حرف، دیگر عضو بدن نیست؟^{۱۶} یا اگر گوش بگوید: «به علت اینکه چشم نیستم به بدن متعلق نیستم.» آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمی‌شود؟^{۱۷} اگر تمام بدن چشم بود، چگونه می‌توانست بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود، چگونه می‌توانست ببیند؟^{۱۸} در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است.^{۱۹} اگر تنها یک عضو بود، بدنی وجود نمی‌داشت! اما در واقع اعضاء بسیار است، ولی بدن یکی است.^{۲۱} پس چشم نمی‌تواند به دست بگوید: «محتاج تو نیستم.» یا سر نمی‌تواند به پا بگوید: «به تو نیازی ندارم.»

^{۲۲} برعکس، اعضایی که به ظاهر ضعیفند وجودشان بیش از همه ضروری است؛^{۲۳} و اعضایی را که پست می‌شماریم، با دقت بیشتری می‌پوشانم و آن قسمت از اعضای بدن خود را که زیبا نیستند، با توجه خاصی می‌آراییم،^{۲۴} حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین آرایشی احتیاج ندارد. آری، خدا اعضای بدن را طوری به هم مربوط ساخته که به اعضای پست تر بدن اهمیت بیشتری داده می‌شود.^{۲۵} تا به این ترتیب در بین اعضای بدن ناهماهنگی به وجود نیاید، بلکه تمام اعضاء نسبت به یکدیگر توجه متقابل داشته باشند.^{۲۶} اگر عضوی به درد آید، اعضای دیگر در درد آن عضو شریک هستند. همچنین اگر یکی از اعضاء مورد تحسین واقع شود، اعضای دیگر نیز خوشحال خواهند بود.^{۲۷} باری، شما جمعاً بدن مسیح و فرداً فرد عضوی از اعضای بدن او هستید.^{۲۸} مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را به شرح زیر قرار داده است: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه کنندگان و شفادهندگان و مددکاران و مدیران و آنانی که به زبانهای مختلف سخن می‌گویند.^{۲۹} آیا همه رسول یا نبی یا معلم هستند؟ آیا همه معجزه می‌کنند؟^{۳۰} یا قدرت شفا دادن

دارند؟ آیا همه به زبانها سخن می گویند؟ یا همه زبانها را ترجمه می کنند؟^{۳۱} پس با اشتیاق خواهان بهترین عطایا باشید و اکنون بهترین راه را به شما نشان خواهم داد.

مقدمه – کلیسا بعنوان یک سازمان

متأسفانه امروزه فعالیت بسیاری از کلیساها بصورت یک سازمان درآمده است. نویسندگان میگویند که اگر کلیسا به یک تشکیلات سازمانی تبدیل شود، آنگاه باید اعتراف نمود که از مسیحیت بسیار فاصله گرفته.

شاید پذیرش این مطلب مشکل باشد اما حقیقت دارد، به طوریکه با مطالعه تاریخ کلیسا در خواهیم یافت که، امروزه بیش از هر زمانی، کلیسا به شباهت یک سازمان تشکیلاتی درآمده است. کفایت قدری به دور و بر خود در کلیسا نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که این مطلب دور از واقعیت نیست.

برخی تنها انگیزه آمدنشان به کلیسا دوست یابی، آموزش زبان، آموزش موسیقی، تجارت، کاریابی، ورزش، پیدا کردن یک همسر خوب، ارائه انواع کارهای هنری مثل خوانندگی، نوازندگی، سرائیدن اشعار، بازیگری در تئاتر، آسپیزی، خیاطی، ایجاد نمایشگاه هایی از تابلوهای نقاشی، گل آرائی، ... امور مهاجرتی، مسائل ارزی و غیره میباشد.

در صورتیکه، هدف خدا از تشکیل کلیسا هیچگاه این نبوده که تبدیل به یک سازمان دنیوی با انگیزه های تجاری یا هنری شود.

امروزه برخی از کلیساها درآمدهای هنگفتی از تجارت بدست می آورند. حتی جذب مردم و کشاندن آنها به کلیسا با انگیزه های غلط صورت می گیرد، که البته کار بسیار اشتباهی است.

ماموریت کلیسا این نیست که با استخدام عده ای حرفه ای برای گروهی تماشاجی برنامه هایی در عرض هفته اجرا کند. به عبارتی، در چنین کلیساها، اعضا، مصرف کننده یا شرکت کننده در برنامه ها می باشند و برای اینکار حق عضویتی تحت عنوان ده یک و هدایا، نیز پرداخت می کنند.

البته، امروزه اکثر مردم، بخاطر مشغله و گرفتاری های زیادی که در عرض هفته دارند، اصلاً علاقه ای به وقف شدن و مشارکت در کاری را ندارند، بیشتر می پسندند که تماشاجی باشند و در برنامه های سرگرم کننده شرکت کنند. این طرز تفکر و تمایلات غلط و سمی، حتی افکار اعضای کلیسا را آلوده کرده است.

هدف خدا از تشکیل کلیسا، نه تنها تشکیل یک سازمان تشکیلاتی، بلکه حتی ایجاد یک باشگاه یا مرکز خدمات اجتماعی نیز نبوده و نیست.

حالا ممکن سوال کنید که، پس کلیسا چیست؟

کلیسا یک موجود زنده است

کلیسا یک موجود زنده است. همانطور که بین یک اتومبیل و یک شخص تفاوت‌های هست، بین یک سازمان و یک موجود زنده بعنوان کلیسا نیز، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. اگر چه ماشین از قطعات مختلف تشکیل شده، اما زنده نیست.

عهد جدید معمولاً کلیسا را به یک موجودات زنده مثل شاخه، عروس، گله، گوسفندان، تاکستان و غیره تشبیه می‌کند. در افسسیان ۲ و رومیان ۸ کلیسا را به یک خانواده تشبیه شده، که مسیحیان، پسرانش آن می‌باشند و خدا را، ابا یعنی پدر خطاب می‌کنند.

اما از میان تشبیه‌هایی که در رسالات مختلف برای کلیسا بکار گرفته شده، بدن مسیح، زیباترین آن می‌باشد که در اول قرن‌تینان ۱۲:۱۲ در این رابطه چنین می‌گوید.

اول قرن‌تینان ۱۲:۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یکتا می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد.

پولس در اینجا کلیسا را به یک بدن با اعضای متعدد تشبیه کرده که حیات جاودانی اش را از خدا دریافت می‌کند.

اشارهٔ پولس به دلیل فردگرایی و هرج و مرج حاکم بر کلیسای قرن‌تینان بود. بطوریکه با اعمال جسمانی شان همه امور روحانی را به انحراف کشیده بودند. در مراسم عشا ربانی پر خوری می‌کردند. جلسات عبادتی شان کاملاً از حالت عادی خارج شده بود.

از این جهت، پولس با تشبیه کلیسا بعنوان بدن می‌خواهد به آنها بفهماند که چقدر از آنچه باید باشند فاصله گرفته‌اند.

پولس در تشبیه بدن در آیات ۱۲ الی ۲۶ (اول قرن‌تینان ۱۲) سعی دارد که اعضای کلیسای قرن‌تس را به این حقیقت متوجه کند که آنچه آنها را نزد خدا مقبول می‌سازد، انجام یک سری کارهای نمایی تحت عنوان عطایای روحانی نیست. ایمانداران واقعی نباید به خاطر نداشتن یک سری امتیازات ظاهراً روحانی که در کلیسای قرن‌تینان معمول بود، کمبودی احساس کنند. پولس رسول در این بخش از آیات، با شباهت‌هایی که یک کلیسای واقعی با بدن دارد، سعی دارد ایمانداران را متوجه یک سری اصول و قواعد کاربردی کند.

بدن و کلیسا شباهت‌های زیادی به هم دارند. بعنوان مثال، هر دو زنده می‌باشند و اگر بخش یا عضوی از آنها آسیب ببیند روی سایر اعضای آن نیز تاثیر گذار می‌باشد. به عبارتی، تمام اعضا به هم وابسته و متصلند.

بیابید این تشبیه زیبا، یعنی بدن را که پولس رسول از آیات ۱۲ الی ۲۶ به آن پرداخته مطالعه کنیم و بعد، از آیهٔ ۲۷ به مطالب کاربردی آن بپردازیم.

چهار اصل حیاتی در تشبیه کلیسا بعنوان بدن

پولس تشبیه خود را با چهار موضوع مطرح می کند که از این قرارند: (۱) اتحاد، (۲) گوناگونی، (۳) حاکمیت و (۴) هماهنگی.

پس بیائید با همین ترتیب، به بررسی موضوعات بپردازیم. اولین موضوع اتحاد می باشد که پولس در اول قرن تیان ۱۲: ۱۲ و ۱۳ به آن چنین اشاره می کند.

(۱) اتحاد

اول قرن تیان ۱۲: ۱۲-۱۳ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یکتا می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد. زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

در برنامه گذشته به تفصیل موضوع یگانگی و اتحاد را بررسی کردیم، بنابراین در اینجا، فقط بطور خلاصه از آن عبور خواهیم کرد.

پولس به سادگی در این تشبیه می گوید، همانطور که جسم آدمی، با وجود داشتن اعضای متفاوت، یک بدن واحد است، اعضای کلیسا که متفاوت می باشند نیز، از یک روح نوشانیده شده، با یک روح تعمید روح القدس یافته، از یک روح تولد تازه یافته و در یک روح زندگی می کنند.

افسیسیان ۱۵: ۲ و عداوت یعنی شریعت احکام را که در فرایض بود، به جسم خود نابود ساخت تا که مصالحه کرده، از هر دو یک انسان جدید در خود بیافرینند.

شریعت احکام باعث جدایی بین یهودیان و غیر یهودیان شده بود اما عیسی مسیح به جسم خود یعنی با کفاره ای که بر صلیب گذراند توانست از این دو گروه متخاصم، یک انسان جدید بی آفریند. در اینجا واژه یونانی kainos که به فارسی "جدید" ترجمه شده، که از لحاظ کیفی مفهوم دارد کلمه دیگری که در یونانی جدید معنی میدهد neos است که "نو بودن"، از لحاظ زمانی، معنی می دهد.

بنابراین، خدا در تولد تازه از یهود و غیر یهود، یک انسان جدید با کیفیتی کاملاً متفاوت خلق نموده است، بطوریکه هر دو یک می باشند.

همین مطلب را در رسالات دیگر نیز مشاهده می کنیم.

افسیسیان ۴: ۴ یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده اید در یک امید دعوت خویش. یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است. (ترجمه کلاسیک)

غلاطیان ۲۸: ۳ هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می باشید. (ترجمه کلاسیک)

رومیان ۱۰: ۱۲-۱۴ زیرا که در یهود و یونانی تفاوتی نیست که همان خداوند، خداوند همه است و دولت مند است برای همه که نام او را می خوانند. زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. پس چگونه بخوانند

کسی را که به او ایمان نیاورده اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را شنیده اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟ (ترجمه کلاسیک)

یوحنا ۲۰:۱۷ و نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد. (ترجمه کلاسیک)

عیسی مسیح در باغ جتسیمانی در دعا از پدر می‌خواهد که ما ایمانداران به او، همه یک باشیم و در تحقق آن، میبینیم که روح القدس در روز پنطیکاست بر شاگردان نازل می‌شود و همه از لحاظ استقراری در مسیح یک می‌گردیم.

دقت داشته باشید که ما مسیحی منفرد و تنها نداریم. بعبارتی کسی که خارج از بدن است نمی‌تواند مسیحی باشد. حتی ایماندار شناور، سرگردان و بلا تکلیف وجود ندارد. شخص یا در مسیح است یا نیست. همه ما در مسیح یک هستیم. در مسیح درجه بندی، رتبه بندی یا حتی از لحاظ مسئولیتی با اهمیت و کم اهمیت نیز نداریم. همه در مسیح به یک اندازه و ارزش در خداوند هستیم.

بسیاری از مسیحیان بخاطر عدم درک این اصل، یعنی اصل اتحاد و یگانگی همه مسیحیان در بدن، زندگی شان را با سرخوردگی و افسردگی بسر می‌برند.

دومین اصلی که پولس در سخنانش به آن اشاره می‌کند گوناگونی است.

۲) گوناگونی

آیا می‌دانستید که برای ایجاد به گوناگونی نیاز داریم؟ فکرش را بکنید که در یک کارخانه تولید اتومبیل یکدفعه کارمندان تصمیم بگیرند که همه با هم متحد شده فقط یک کار را انجام دهند. اگر چنین شود آنوقت سایر قطعات ماشین تولید نمیشود و در نهایت در کارخانه هرج و مرج شده کار تعطیل خواهد شد.

این واقعیت در رابطه با کلیسا نیز صادق است. خوشبختانه خدا ما را مثل جوجه اردکهای پلاستیکی، یک شکل خلق نکرده. هر کدام از ما، مثل اعضای مختلف بدن، با هم تفاوت داریم و از نظر کار، مسئولیت، استعداد و بسیار ویژگیهای دیگر با هم فرق می‌کنیم. پولس رسول در آیات ۱۴ الی ۱۷ به این مسئله، این گونه اشاره میکند.

اول قرن‌تینان ۱۲:۱۴-۱۷ بدن از یک عضو ساخته نشده بلکه شامل اعضای بسیار است. اگر پا بگوید: «چون دست نیستم به بدن تعلق ندارم.» آیا به خاطر این حرف، دیگر عضو بدن نیست؟ یا اگر گوش بگوید: «به علت اینکه چشم نیستم به بدن متعلق نیستم.» آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمی‌شود؟ اگر تمام بدن چشم بود، چگونه می‌توانست بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود، چگونه می‌توانست ببیند؟ (ترجمه کلاسیک)

در بدن باید بخشهای مختلف با کاربردهای متفاوت وجود داشته باشد. یک تیم فوتبال را در نظر بگیرید. هر کدام از بازیکنان در جایگاه خاص خود ایفای نقش و بازی میکنند. مثلاً برخی جلو بازی میکنند و بعضی دیگر در پشت گروه. حال تصورش را بکنید که یكروز اعضای تیم نزد مربی شان آمده بگویند که ما تصمیم گرفته ایم که همه متحد باشیم و به همین دلیل همه ما تصمیم گرفتیم که گلر باشیم. مربی با شنیدن این پیام حتماً بسیار ناراحت خواهد شد.

یکی از مشکلات کلیسای قرن‌تس این بود که همه می‌خواستند نبوت کنند، یا همه به دنبال تکلم به زبان‌ها بودند.

اول قرن‌تس ۲۹:۱۲ آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوآت؟

بدن آدمی اگر کامل است به خاطر این است که دارای اعضای مختلف با ویژگی‌های متفاوت میباشد. اگر هر کدام از ما جای خود را در این بدن ندانیم و به اشتباه به کار دیگری غیر از آنچه خدا ما را برای آن خوانده مشغول شویم مسلماً کلیسا را دچار اشکال خواهیم ساخت.

اگر امروز کلیسای خدا در بسیاری از جای‌ها به مشکلات حاد دچار شده دلیلش این است که اعضای آن به وظایف خود عمل نمیکنند و هر کس، بجای آنچه خدا به او محول کرده، می‌خواهد کار خودش را انجام دهد.

تصورش را بکنید که ما در کلیسا به یک دکتر دندان‌پزشک بگوئیم که برادر یا خواهر بفرما از جلسه بعد شما موعظه کنید و اجازه بدهید من به جای شما در مطب مدتی را به دندانپزشکی مشغول شوم. یا اینکه برای تنوع کار جای یک مکانیک و نوازنده کلیسا را با هم عوض کنیم.

متأسفانه علاوه بر مشکلات زیادی که کلیسای خداوند را تهدید میکند این‌گونه ناهنجاری، ناهماهنگی و بی‌نظمی‌ها نیز به آن‌ها افزوده شده.

با توجه به این مسئله، می‌توان نتیجه گرفت که دلیل اصلی اینکه کلیسا به جای یک موجود زنده تبدیل به یک سازمان یا باشگاه می‌شود این است که هیچ کس در جای خود نیست و هر کس بجای کاری که خدا از شان میخواهد به کاری که دلش میخواهد مشغول می‌شود.

فرق یک عضو تولد تازه یافته در کلیسا با کسی که میخواهد از روی علاقه به کلیسا کمک کند و به او مسئولیت سپرده می‌شود مثل یک دست واقعی با یک دست مصنوعی است.

گونگونگی، یک مسئله اتفاقی نیست. خدا هیچ‌گاه بطور ناگهانی از آسمان عطایایش را رها نمی‌کند تا بعد ببیند کجا می‌افتد. عطایا هیچ‌گاه بطور تصادفی اعطا نمی‌شوند. همان‌طور که قبلاً بطور مفصل بررسی کردیم وقتی اعضای کلیسا هر کدام از روی وظیفه‌شناسی و شناخت، مشغول خدمت می‌باشند خدا نیز عطایایش را در آنها شکوفا می‌سازد.

یکی از شبانان موفق می‌گفت سالها پیش به اعضای کلیسایش گفت که اگر منتظرید تا به شما خدمت یا مسئولیتی داده شود بیهوده است. اگر میخواهید کاری انجام دهید مشغول به کار شوید و بعد از اینکه خادمین متوجه وفاداری شما شدند آنگاه به شما مسئولیت خدمت محول خواهند کرد.

یک روز خانمی نزد شبان کلیسایش رفت و گفت که من عطای تعلیم دارم اگر ممکنه ازتون خواهش کنم ببینید که آیا در کلاس‌های یکشنبه نیاز به معلم دارند تا بتوانم آنجا مشغول خدمت شوم. کشیش در پاسخ به او گفت، آیا در همسایگی تان بچه‌هایی هستند که به سن آموزشی شما بخورند؟ خانم گفت بله!

آنوقت کشیش گفت: پس مشغول شوید و خدمت آموزش را از آنجا شروع کنید.

برخی دیگر به همان شبان گفتند که من عطای تعلیم دارم اما کلاسی نیست که بتوانم در آن مشغول به آموزش بشوم. پاسخ او به آنها همیشه این بوده که یک نفر را پیدا کن که از شما کمتر میداند و به او تعلیم بده.

خدا از همین کارهای کوچک هست که به آنها خدمات بزرگ تر واگذار می کند. رشد خدمتی مثل رشد روحانی، تدریجی است. فراموش نکنید که ما بدن مسیح هستیم و یکی از ویژگی های اعضای بدن، رشد تدریجی است.

پس گوناگونی در کلیسا یک مسئله اتفاقی نیست، بلکه نتیجه طرح زیبای خداست. همه مثل هم نیستیم، اما همه دارای عطایای مختلف می باشیم. هیچ کس در کلیسا نیست که عطایی نداشته باشد.

علاوه بر اتحاد و گوناگونی، نکته سومی که پولس به آن اشاره می کند حاکمیت خداست.

۳) حاکمیت خدا

برای شرح این بخش سه آیه ۱۸ و ۲۴ و ۲۸ را در نظر میگیریم.

اول قرنطیان ۱۲ : ۱۸ و ۲۴ و ۲۸ لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود. ... لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب ساخت بقسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد، ... و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلّمان، بعد قوّات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها.

در اینجا پولس به خدا، یعنی خالق که بدن را آفریده اشاره میکند. اولین نتیجه ای که می توانیم از این آیات بگیریم این است که چون پولس رسول خدا را خالق بدن آدمی می دانست، فرضیه تکامل را قبول نداشت.

علاوه بر این، او میگوید که خدا نه تنها خالق بدن است بلکه طراح آن نیز میباشد. بطوریکه هر عضوی را مسئولیتی بخشیده، که به طرز بی نظیری آن را رعایت میکند. اگر چه بدن یک میباشد اما خدا هر عضوی را بطور منحصر به فردی خلق کرده و برای منظور و هدف خاصی در بدن قرار داده است.

نکته مهمی که در آیه ۲۴ می باشد، این است که خداست که بدن را مرتب میسازد، و اوست که تشخیص می دهد چه کسی باید چه عطایی داشته باشد. بنابراین، ما عطایایمان را انتخاب نمیکنیم. اما اعضای کلیسا قرنطیان طوری رفتار میکردند که انگار هر کس میتواندست خودش عطایش را انتخاب کند و به کار گیرد.

اول قرنطیان ۱۲:۱۸ چنین میگوید:

اول قرنطیان ۱۲:۱۸ لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود.

ترجمه هزاره نو: اما حقیقت این است که خدا اعضا را آن گونه که خود می خواست، یک به یک در بدن قرار داد.

از آیه فوق در می یابیم که خدا بنا به اراده خود هر شخص مسیحی را در بدن قرار می دهد.

بنابراین اگر شخصی دارای عطایی می باشد، دلیلش این است که خدا اراده نموده که آن را داشته باشد. خدا دقیقاً ما را این گونه آفریده، بنابراین هیچ کس نباید نسبت به عطایی که دارد یا حتی ندارد شکایت کند. ناراضی بودن یا اعتراض به عطایا، توهین به طرح و نقشه الهی است.

رومیان ۹: ۲۰-۲۱ به چنین افراد این گونه اشاره می کند.

رومیان ۹: ۲۰-۲۱ تو کیستی ای انسان که با خدا معارضه می کنی؟ آیا مصنوع به صانع می گوید که چرا مرا این چنین ساختی؟ یا کوزه گر اختیار بر گل ندارد که از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟ (ترجمه کلاسیک)

پس، میتوان نتیجه گرفت که افتخار روحانی شامل کسانی نیست که دارای خدمات نمایشی دارند یا به اصطلاح دارای عطایای مهم تر میباشند. بلکه این افتخار شامل حال همه مسیحیان است زیرا خدا آنها را مطابق با اراده خود ساخته است.

ما ایمانداران نه تنها در مسیح خلقت تازه یافته ایم بلکه خدا به هر یک از ما توانایی هایی بخشیده تا بتوانیم با آنها بدن مسیح را خدمت کنیم. قانع نبودن به آنچه خدا ما را برای آن ساخته ناشکری و ناسپاسی به خداست.

انگیزه این گونه افراد، که خودخواهانه در طلب عطایای برترند، معمولاً ناشی از غرور و ارضای نفس شان می باشد. پولس همین واژه بر حسب اراده خود را که در آیه ۱۸ استفاده کرده در عبرانیان ۴:۲ نیز استفاده نموده و می گوید که خدا بر حسب اراده خود انواع قوای و عطایای روح القدس را از دست رسولان صادر می کرد.

عبرانیان ۳:۲-۴ پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوای و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود.

پس، اهدای عطایا، همیشه به اراده خدا بستگی دارد. اول قرنیتیان ۱۱:۱۲ و رومیان ۳:۱۲ نیز این موضوع را تأیید می کنند.

رومیان ۳:۱۲ به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است. (ترجمه کلاسیک)

اول قرن ۱۱:۱۲ لکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرداً بحسب اراده خود تقسیم میکند. (ترجمه کلاسیک)

پولس در تشبیه "بدن" در اول قرنیتیان ۱۱:۱۲ نتیجه گیری می کند که "جمیع اینها" یعنی تمام این عطایا فقط توسط روح القدس تقسیم بندی می شوند.

بنابراین، جایی برای انگیزه های خودخواهانه و خود محورانه باقی نمی گذارد. به عبارتی هر کس باید هر عطایی که از خدا یافته است را با شکرگزاری برای جلال خدا به کار گیرد.

پولس در آیه ۲۴ نیز میگوید که خدا بدن را مرتب ساخت. واژه ای که در اینجا مرتب ترجمه شده در اصل یونانی به مفهوم اختلاط می باشد. مثل این میماند که خدا مثل یک نقاش هنرمند از اختلاطی از رنگها یک تابلوی بسیار زیبا می

آفرینند. بنابراین، خدا نه تنها تعیین کننده نوع عطاست، بلکه او از مجموعی از عطایا برای ما عطای مناسبی را طراحی می کند.

قبلاً در این رابطه مثال یک نقاش را آوردیم که بر روی صفحه رنگش چند رنگ اصلی را گذاشته و با کاردک و قلم از اختلاط رنگهای اصلی رنگهای دیگر را تولید می کند. کار خدا در ایمانداران نیز به همین طور است. نکته جالب اینجاست که خدا نه تنها اختلاطی از عطایا را به ما می بخشد، بلکه ما را در کنار ایمانداران دیگر قرار می دهد تا بتواند بر بوم نقاشی اش، چهره او را ظاهر کنیم. حال تصورش را بکنید که این رنگها اگر زنده و مستقل بودند چه آشوبی در کلیسا می شد. ناگهان برخی از رنگ ها می گفتند که من اینجا را دوست ندارم و میخواهم خودم را به جای دیگری منتقل کنم. که البته نهایت خودخواهی چنین افرادی را می رساند.

البته، خدا را شکر که واقعیت اینطور نیست، بلکه در همه شرایط خدا در کنترل است. او سر کلیساست و خوب می داند چگونه آنرا تجهیز و رهبری کند. تقسیم کار خدمت، و تجهیز آن توسط خدا انجام می گردد.

نتیجه امر این است که خدا در حاکمیت مطلق خود تمام این کارها را انجام می دهد. مطالعه کتاب اعمال رسولان به ما نشان میدهد که خدا چگونه توسط روح القدس رسولان را برای امر بشارت و رهبری کلیسا کمک نمود.

بنابراین خدا در حاکمیت خود رهبران را انتخاب می کند و برای کارهای گوناگون به آنها عطایا می بخشد. البته فراموش نکنید که هر ایمانداری در کلیسا دارای عطایای منحصر به فرد خود می باشد. در مسیح شخص بدون عطا نداریم. همه در یک بدن متحد می باشیم، اما در عین حال، هر کدام از ما بخاطر عطایایی که داریم دارای ویژگی های خاص خود هستیم. پس این گوناگونی لازمه اتحاد در کلیساست.

علاوه بر اتحاد، گوناگونی و حاکمیت خدا چهارمین ویژگی ای که پولس در این بخش از سخنانش به آن اشاره دارد، اصل هماهنگی است.

(۴ اصل هماهنگی (آیات ۱۲ و ۱۳))

کلیسای قرنیتیان اتحاد و هماهنگی را تجربه نکرده بودند به همین خاطر است که پولس در ۱۰:۱ از آنها خواهش میکند که یک فکر و یک رای باشند.

اول قرنیتیان ۱۰:۱ لکن ای برادران از شما استدعا دارم به نام خداوند ما عیسی مسیح که همه یک سخن گویند و شقاق در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید.

از آیات ۱۲ و ۱۳ در می یابیم که در کلیسای قرنتس تفرقه و دسته بندی شدید وجود داشت.

پولس در باب ۳ بخاطر نزاعی که در بینشان بود آنها را جسمانی می خواند. در باب ۴ آیه ۷ میخوانیم که اعضای این کلیسا نسبت به همدیگر فخر فروشی داشتند و در باب شش از یکدیگر به دادگاه شکایت میکردند و نسبت به هم تلخی، غیض و انتقام جویی داشتند.

در باب ۸ از آزادی که در مسیح داشتند سوء استفاده کرده همدیگر را فریب می دادند.

در باب ۱۱ شام خداوند را به افتضاح کشیده بودند و با پر خوری و خودخواهی که داشتند مراسم عشا را بی حرمت کرده بودند. بنابراین در این کلیسا همه چیز به غیر از اتحاد و یگانگی بود.

وقتی به باب ۱۲ میرسیم میبینیم بجای اینکه ایمانداران کلیسای قرنتس، عطایای خود را برای خدمت به یکدیگر بکار بگیرند در عوض آنها را وسیله ای برای فخر فروشی قرار داده بودند. بطوریکه بعضی با عطایای ظاهراً مهمتری داشتند خود را از دیگران بهتر می دانستند و از طرف دیگر آنهائیکه عطایای کم ارزش تری داشتند، از وضعیت خود ناراضی بوده، در پی عطایای مهم تر بودند که در نهایت به عطایای بت پرستان، که جعلی و دروغین بودند روی آوردند. پس، اتحاد و یگانگی در بین این گونه افراد اصلاً جایی نداشت.

یکی دیگر از مشکلات این کلیسا این بود که همه بدنال یک سری عطا بودند. مثلاً همه میخواستند به زبانها حرف بزنند یا همه میخواستند نبوت کنند و در نتیجه اصل گوناگونی بین آنها وجود نداشت.

از آنجائیکه خود تعیین کننده عطایایشان بودند، حاکمیت خدا زیر سوال می رفت. پس چون سه اصل بالا را زیر پا گذاشته بودند به خودی خود مورد چهارم یعنی هماهنگی نیز در بین ایشان وجود نداشت.

از این جهت، پولس رسول در آیه ۱۵ به مسئله هماهنگی می پردازد و بحث خود را از دو زاویه مطرح می کند.

مفهوم هماهنگی در آیه ۱۵

اول اینکه از دید اشخاصی سخن میگوید که خود را بی ارزش میدانند و به کسانی که عطایای نمایشی دارند غبطه می خورند..

دوم اینکه از دید اشخاصی که دارای عطایای نمایشی هستند و خود را از سایرین بالاتر میدانند، موضوع را مطرح می کند.

مورد اول اشخاصی هستند که خود را فریب خورده می دیدند. به تصور آنها، خدا با بخشش عطایای کم ارزش تر، برایشان به اصطلاح کم گذاشته و آنها را از دیگران بی ارزش تر دانسته. چون ظاهراً آنچه را که به دیگران داده از آنها دریغ داشته است.

پولس رسول در آیه ۱۵ در این رابطه چنین میفرماید.

آیه ۱۵ اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟

پولس این گروه افراد را " پا " می نامد. پا در بدن چنان عضو زیبا و دوست داشتنی ای نیست. معمولاً مردم پاهایشان را میپوشانند. بخصوص آنهائیکه در زمان مسیح زندگی می کردند. نقل و انتقال مردم عادی در آن زمان، معمولاً پیاده انجام می شد. راه ها بسیار کثیف و خاکی بود و به این جهت پا عضو زیبایی به حساب نمی آمد.

منظور پولس این است که هیچ ایمانداری با شکایت و ناراضی بودن یا احساس ناشایست بودن نباید از زیر بار مسئولیتی که خدا به او سپرده، شانه خالی کند.

اگر خدا تعیین کند که کسی در کلیسا پا باشد، آن شخص باید به وظیفه خود عمل کند. ایماندار حق ندارد از وضعیت خود نزد خدا شکایت کند و به صرف نارضایتی، از مسئولیت هایش شانه خالی کند. متأسفانه برخی کلیساها با تعالیم غلط در اعضایشان این تصور غلط را ایجاد می کنند، که برخی از عطایا یا خدمات در کلیسا نسبت به سایر خدمات کلیسایی برتر هستند و خدا از مسیحیان می خواهد که در پی آن ها باشند. به آیه ۱۶ توجه کنید:

اول قرن‌تین ۱۲ : ۱۶ یا اگر گوش بگوید: «به علت اینکه چشم نیستم به بدن متعلق نیستم. آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمی شود؟ (ترجمه کلاسیک)

بنابراین، عطای ما هر چه باشد، در نظر خدا با ارزش و مورد نیاز است. به همین دلیل، خدا آنرا به ما هدیه کرده. از این جهت پولس در ادامه سخنانش در آیه ۱۷ چنین می گوید:

اول قرن‌تین ۱۲ : ۱۷ اگر تمام بدن چشم بود، چگونه می توانست بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود، چگونه می توانست ببیند؟

در اول قرن‌تین ۴:۱۳ میخوانیم که در محبت حسادت و خودبینی و تکبر نیست. بنابراین ایمانداران حق حسادت نسبت به وظائف یکدیگر را ندارند. هر ایماندار دارای عطایای منحصر بفردی است، که هم خود، و هم دیگران به آن وابسته میباشند.

پولس در آیات ۱۸ و ۱۹ نتیجه گیری جالبی میکند.

اول قرن‌تین ۱۲ : ۱۸ و ۱۹ اما خدا ما را به اینصورت خلق نکرده است. او برای بدن ما اعضای گوناگون ساخته و هر عضو را درست در همانجایی که لازم می دانست، قرار داده است. اگر بدن فقط یک عضو می داشت، چقدر عجیب و غریب می شد! (ترجمه تفسیری)

نتیجه وابستگی

نتیجه گیری که پولس از آیات ۱۵ الی ۲۰ می گیرد این است که، ایماندار باید متوجه ارزش واقعی خود در مسیح باشد. بطوریکه هر مسیحی در کلیسای خداوند جایگاه ویژه ای دارد و باید بداند که خدا او را در آنجا قرار داده، و به او نیاز دارد. از این جهت، آیات ۲۱ الی ۲۵ به وابستگی بین اعضای بدن نسبت به هم، اشاره شده.

بطوریکه می گوید هر کدام از اعضای کلیسا، به نوعی به دیگری وابسته اند و بدون وجود آنها، بدن کامل نیست. به عنوان مثال: در آیه ۲۱ میگوید که چشم نمی تواند به دست بگوید که به تو احتیاج ندارم. پولس از تک تک اعضای بدن اسم می برد او به پا، دست و چشم اشاره می کند و می گوید، این اعضا به تنهایی کاربرد ندارند، بلکه در هماهنگی با هم عمل می کنند و به یکدیگر وابسته اند.

پولس میخواهد اعضای کلیسا به اهمیت وابستگی شان به هم پی ببرند. اگر چه بدن قادر است بدون چشم، پا و دست زنده بماند، اما اعضای دیگری هستند که بدون آنها بدن حیاتش را از دست می دهد.

این اعضا همان اعضای مخفی بدن ما هستند. در آیه ۲۳ میخوانیم:

اول قرن‌تین ۱۲ : ۲۳ ما همچین آن اعضایی را که زشت و بی ارزش به نظر می آیند، مورد مراقبت بیشتر قرار می دهیم و آنها را بدقت می پوشانیم. (ترجمه تفسیری)

بعبارتی، باید به کسانی که در کلیسا حضورشان اگر چه در جمع بسیار دیده نمی شود، توجه کنیم چون حضورشان بسیار حیاتی است.

بنابراین پولس به هر دو جنبه مسیحیان، یعنی اول نقش و اهمیت حیاتی شان در بدن، و دوم وابستگی آنان به سایر اعضا، اشاره می کند.

تا اینجا به بررسی تشبیهی که پولس از کلیسا به عنوان بدن کرد پرداختیم. حال از آیه ۲۶ کاربرد تشبیه بدن را مطالعه می کنیم.

کاربرد تشبیه بدن – The application

آیه ۲۷ چنین می گوید:

اول قرن‌تین ۱۲ : ۲۷ اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید.

منظور پولس در اینجا دقیقاً چیست؟ آیا او می گوید که ای کلیسای قرن‌تس شما بدن مسیح را تشکیل می دهید و سایرین خارج از این بدن هستند؟ خیر، واضح است که در اینجا پولس نه به کلیسای جهانی، بلکه فقط به کلیسای محلی اشاره دارد.

این جمله پولس بسیار تشویق آمیز است. او در واقع به کلیسای قرن‌تین می گوید شما به عنوان یک کلیسای محلی میتوانید پُری مسیح را در همان منطقه ای که هستید تجربه کنید.

پولس جلوتر، یعنی اول قرن‌تین ۱:۷ به آنها می گوید که در هیچ بخشش یا عطای روحانی ای، ناقص نیستید، به عبارتی خدا در رابطه با عطایای روحانی برای شما کم نگذاشته است.

این کلمات تشویق کننده پولس بسیار باعث تقویت و حتی بیداری بعضی از اعضای کلیسای قرن‌تین شد. به طوریکه در رساله دومش هیچ اشاره ای به سرزنش ها به چشم نمی خورد.

علاوه بر تشویق آمیز بودن آیه ۲۷،

آیه ۲۷، علاوه بر لحن تشویق آمیزش جنبه دستوری نیز دارد.

پولس با بیان " اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید."، به گونه ای بر آنها حکمی صادر می کند. به عبارتی، به آنها می گوید، الان وقت آن رسیده که با این حقیقت روبرو شوید و بر آنچه که باید باشید رفتار کنید.

مثل این می ماند که بگویند، من الان دارم با بدن مسیح سخن میگویم، و شما آن هستید. این یگانگی و اتحادی که از آن سخن گفتیم به شما تعلق دارد.

خدا شما را بوسیله تعمید روح القدس، یک گردانید و در عین حال به توسط همان روح به شما عطایای گوناگون بخشید تا یکدیگر را خدمت کنید.

خدا تمام این کارها را با طرح و اراده خود در حاکمیتش برایتان انجام داد.

و در آیه ۲۸ ادامه میدهد.

اول قرنیتیان ۲۸:۱۲ و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوآت، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها.

که البته ما این آیه را در برنامه های چهارم و پنجم، تحت عنوان افرادی که دارای عطایا هستند، بطور مفصل مطالعه کردیم.

پولس در آیات ۲۹ و ۳۰ میگوید:

اول قرنیتیان ۱۲ : ۲۹ و ۳۰ آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوآت؟ یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه می کنند؟

پولس با مطرح کردن این مطلب، به کلیسا اعلام می کند که، با در نظر گرفتن حقایقی که در تشبیه بدن بیان کردم وقت آن است که خود را تسلیم خدای زنده و حاکم بکنید، و اجازه بدهید که روح القدس به توسط عطایایش در شما کار کند. عبارتی بار دیگر، به گونه ای متفاوت مخاطبینش را به آنچه شرح داده بود، با سه مسئله (۱) اتحاد و یگانگی (۲) گوناگونی و (۳) حاکمیت خدا روبرو می کند، و در نهایت، با آیه ۳۱، نتیجه گیری می کند و چنین می گوید:

نتیجه گیری نهایی - The Appeal

آیه ۳۱ نتیجه نهایی است. پولس در این آیه چنین میگوید.

اول قرنیتیان ۱۲ : ۳۱ لکن نعمتهای بهتر را به غیرت بطلبید و طریق افضل تر نیز به شما نشان می دهم. (ترجمه کلاسیک)

این آیه بسیار مورد سوء تعبیر و سوء تفسیر قرار گرفته. ظاهراً بنظر میرسد که پولس از اعضای کلیسا میخواهد که در طلب عطایای برتر باشند. اما اگر اینطور بود تمام تفسیری که تا به الان کردیم زیر سوال می بود.

غیر ممکن است که پولس ۳۰ آیه تعلیم بدهد که به عطایایی که خدا به شما داده قانع باشید و بعد یک دفعه آنها را تشویق کند که حال به دنبال عطایای بهتر باشید.

توجه کنید که پولس در بخش آخر آیه ۳۱ میگوید:

اول قرنیتیان ۱۲ : ۳۱ و طریق افضل تر نیز به شما نشان می دهم. (ترجمه کلاسیک)

در ترجمه های دیگر فارسی چنین آمده:

ترجمه هزاره نو: و اینک من عالیترین طریق را به شما نشان می دهم.

ترجمه مزده: و اکنون بهترین راه را به شما نشان خواهم داد.

ترجمه تفسیری: اما اجازه دهید ابتدا راهی را به شما نشان دهم که از تمام این عطایا برتر است .

در اینجا پولس میگوید که شما در پی عطایای روحانی هستید در صورتی که باید به راه افضل تر رفتار کنید. پس آنچه می کردید را رها کنید و به آن روش نیکوتری که به شما نشان می دهم عمل کنید.

یعنی در اتحاد، گوناگونی، حاکمیت و هماهنگی ای که خدا از قبل طرح ریزی کرده رفتار کنید و باعث بنای بدن یا کلیسا گردید و آن طریق بهتر که بدن در آن رشد کرده، و شما در آن خدمت می کنید، محبت است، که در باب بعدی مفصلاً به شرح آن می پردازد.

بنابراین، آیه ۳۱ از یک طرف، نتیجه گیری تمام مطالب این باب یعنی باب دوازدهم می باشد و از طرف دیگر، یک جمله انتقالی به مطالب باب بعدی یعنی باب ۱۳ است که از جلسه آینده به بررسی آن خواهیم پرداخت.

عنوان درس بعدی "محبت و عطاى تکلم به زبانها" می باشد.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند.